

## آموزه‌های نظریات حکمرانی خوب برای الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت

شهبروز شریعتی<sup>۱</sup>  
زهرا سلیمانی‌پور<sup>۲</sup>

### چکیده

حکمرانی خوب مجموعه نظریاتی است که از دهه ۱۹۸۰ با هدف توسعه همه‌جانبه کشورهای در حال توسعه مطرح شده است و بر نقش توأمان دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در پیشرفت تکیه دارد. در این نظریات همواره بر ضرورت تمرکز بر شاخص‌هایی مانند رهبری، پاسخگویی، کارآمدی، اثربخشی، قانون‌محوری، عدالت، برابری و مشارکت سیاسی تأکید می‌شود و برای عملیاتی کردن این مفاهیم نیز تاکنون تلاش‌های فراوانی صورت پذیرفته است. در همین حال، انقلاب اسلامی ایران به عنوان نخستین انقلاب پسامدرن جهان که قواعد نظم بین‌المللی برخاسته از فرهنگ غربی را به چالش کشید و تعالیم اسلامی را به عنوان قانون اساسی خود برگزید و سبک زندگی مؤمنانه را به عنوان شیوه‌ای جدید از زیست در جهان معاصر معرفی کرد، باید بتواند الگویی کارآمد از پیشرفت را که قابلیت تقلید داشته باشد به جهانیان ارائه دهد؛ به ویژه آنکه برخلاف دیدگاه‌های سنتی که توسعه را مقوله‌ای اقتصادی ارزیابی می‌کنند، رویکردهای جدید، توسعه را حاصل باورها و رویکردهای فرهنگی جوامع دانسته و بر این باورند که بنیان‌های توسعه، فرهنگی است و دین و مذهب را نیز می‌توان بارزترین و تأثیرگذارترین عامل فرهنگی و موثر بر شکل‌گیری جهان‌بینی‌ها و تفسیر از حیات مادی بشری دانست. این مقاله در کنار توجه و تأکید بر راهبردهای متکی بر مؤلفه‌های بومی، می‌کوشد تا نقش الزامات تجربی و دستاوردهای مشترک جوامع بشری را که در قالب آموزه‌های نظریات حکمرانی خوب مطرح شده است برای تدوین یک الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت تبیین کند. مقاله همچنین با اولویت‌بخشی به مقوله فرهنگ، به تبیین نقش شاخص‌های ضروری در ترسیم الگوی اثربخش اسلامی و ایرانی پیشرفت پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** اسلام، ایران، پیشرفت، حکمرانی خوب، فرهنگ سیاسی

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم سیاسی (مسائل ایران) دانشگاه تربیت مدرس shariati@modares.ac.ir

<sup>۲</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد z.soleimani85@gmail.com

## ۱. مقدمه:

میل به پیشرفت در همه‌ی دوران‌ها و در تمام جوامع بشری قابل رویت است و در این راستا طیف‌های مختلف فکری در جهت بهبود کارایی دولت وجود دارد که از نگاه حداکثری تا حداقلی به این نهاد در نوسان هستند. مجموعه نظریات «حکمرانی خوب»<sup>۱</sup> یکی از این دیدگاه‌هاست که با نگاهی تعدیل‌گرا به نقش دولت، خواهان پیاده‌سازی الگوی خاصی از حکمرانی در کشورهای در حال توسعه جهت نیل به توسعه است. منظور از حکمرانی خوب اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون به همراه پاسخگویی و اثربخشی است. اما یکی از اهداف مهم حکمرانی خوب، توسعه‌ی انسانی پایدار است که بیش از هر چیز مردم محور است. با این وصف، محیط فرهنگی و اجتماعی هر کشور در خصوص نظام سیاسی و فرایندهای ناشی از آن مقدرات و محذوراتی را برای شهروندان و اتباعش ایجاد می‌کند؛ در این میان مذهب یکی از عناصر کلیدی مقوم فرهنگ توسعه است که تاثیر به‌سزایی در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی و نحوه نگرش به توسعه در میان جوامع مختلف دارد. براین اساس مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که مجموعه نظریات حکمرانی خوب چگونه می‌تواند در تدوین یک الگوی جامع پیشرفت که در بردارنده ارزش‌های مذهبی و ملی باشد بطور توانمند مورد استفاده قرار گیرد؟ در پاسخ به پرسش مذکور پس از بررسی ویژگی‌های نظریه حکمرانی خوب و با بهره‌گیری از روش توصیفی پسا‌رویدادی و تحلیل گفتمانی «متون اجتماعی»<sup>۲</sup> این فرضیه مورد آزمون قرار خواهد گرفت که «به نظر می‌رسد آموزه‌های نظریه حکمرانی خوب به واسطه تاکید و تمرکز بر شاخص‌هایی همچون رهبری، مشارکت و مشروعیت، پاسخگویی، عدالت و کارآمدی که لازمه توسعه و پیشرفت در عصر حاضر است؛ می‌تواند به مثابه چارچوب نظری در تدوین الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت مورد استفاده قرار گیرد»

## پیشینه پژوهش

اداره‌گری یا حکمرانی به معنی عمل یا شیوه حکومت کردن و اعمال کنترل یا اقتدار بر اقدامات اتباع از طریق منظومه‌ای از مقررات است. بنابراین گوهر اداره‌گری را می‌توان چگونگی حکومت بر مردم و چگونگی اداره و تنظیم اداره دولت دانست (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۴۴۵). مبحث

<sup>۱</sup> - Good Governance

<sup>۲</sup> - Context

حکمرانی خوب از اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی مطرح شد که در گزارش سال ۱۹۸۹ خود، برای اولین بار حکمرانی خوب را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرده است (World Bank, 1989). برنامه توسعه سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> نیز، حکمرانی خوب را شامل مکانیزم‌ها، فرایندها و نهادهایی دانست که بواسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند، تعهداتشان را برآورده می‌سازند و اختلافاتشان را تعدیل می‌نمایند (UNDP, 1997). در مجموع حکمرانی خوب دربردارنده مکانیزم‌ها و فرایندهایی است که در خدمت تحقق دموکراسی و حقوق بشر است و لذا از این دیدگاه، حکمرانی خوب را می‌توان ابزار و وسیله‌ی مطلوبی در جهت تحقق آرمان مردم سالاری، حقوق بشر، حاکمیت قانون و توسعه‌ی اقتصادی دانست؛ در این راستا «کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد»<sup>۲</sup> نیز زمینه‌ها و اهداف مهمی که از طریق حکمرانی خوب پیگیری می‌شود به ترتیب مشتمل بر احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، مشارکت موثر بازیگران مختلف، تکثرگرایی سیاسی، شفافیت و پاسخگویی نهادها، بخش عمومی موثر و کارآمد، دسترسی به دانش، اطلاعات و تحصیلات، توانمندسازی سیاسی مردم، تساوی حقوق و پرورش ارزش‌ها و هنجارهایی که پاسخگویی، اتحاد و ایستادگی را تقویت می‌کنند؛ برمی‌شمارد (OHCHR, 2013). در این ارتباط آثار متنوعی در داخل کشور به رشته تحریر درآمده است<sup>۳</sup> که از زوایای مختلف به بررسی حکمرانی خوب پرداخته‌اند؛ اما کمتر اثری یافت می‌شود که از منظر الگوی اسلامی به بررسی این مقوله اهتمام ورزیده باشد. از سوی دیگر پیشینه فکری و پژوهشی تاملات در حوزه الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت می‌توان به این نکته اشاره کرد که مجموعه آثار با این نگرش در ایران در سه نسل قابل ارزیابی

<sup>۱</sup> - United Nations Development Program (UNDP)

<sup>۲</sup> - United Nations High Commissioner

<sup>۳</sup> میدری، احمد. خیرخواهان، جعفر، حکمرانی خوب، بنیان توسعه (تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۹)؛ نادری، محمد مهدی، حکمرانی خوب؛ معرفی و نقدی اجمالی (اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۱۰، ۱۳۹۰)؛ مستقیمی، بهرام، تلاش برای شناختن سکانداری خوب (سیاست، ش ۳، ۱۳۸۷)؛ شریف‌زاده، فتاح، قلی‌پور، رحمت‌الله، حکمرانی خوب و نقش دولت (فرهنگ مدیریت، ش ۴، ۱۳۸۲)؛ الوانی، سید مهدی، علیزاده ثانی، محسن، تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران (مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ش ۵۳، ۱۳۸۶)؛ قلی‌پور، رحمت‌الله، تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری (فرهنگ مدیریت، ش ۱۰، ۱۳۸۴)؛ میدری، احمد، تغییر در سیاست‌های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب (نامه مفید، ش ۴۲، ۱۳۸۳)؛ مبارک‌اصغر، زیبا، آذرپیوند، نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی (اقتصاد اسلامی، ش ۳۶، ۱۳۸۸).

است؛ نسل اول شامل آثاری است که با رویکردی توصیفی و اثباتی به رابطه دین و توسعه پرداخته و دین اسلام را نه تنها مانع توسعه و پیشرفت مادی نمی‌دانند؛ بلکه آن را موافق و راهگشای توسعه حیات مادی معرفی می‌کنند که آثار افرادی نظیر مرحوم آل‌احمد و بازرگان، شریعتی در این جرگه قرار دارند. این آثار به صورتی کلی مفاهیم اسلامی موافق توسعه و تغییر اجتماعی را فهرست کرده‌اند. نسل دوم آثاری را در بر می‌گیرد که با رویکردی واکنشی به ایدئولوژی‌های غیراسلامی به ویژه مارکسیسم و لیبرالیسم، به رشته تحریر در آمده و با نگرشی سلبی به روش‌های غیربومی و با دقت و ظرافت بیشتر در پی معرفی احکام اسلام به عنوان دینی کامل و جهانشمول بر آمده است. آثار اقتصادی مرحوم طالقانی، شهید مطهری، شهید بهشتی و شهید صدر در این دسته قرار می‌گیرند. نسل سوم نیز مشتمل بر آثاری است که با رویکرد ایجابی و با ظرافت‌های باز هم بیشتر از دو نسل گذشته بر مبنای فکری «توسعه» تکیه داشته و افزون بر آنکه توسعه را به مثابه یک بایسته و ضرورت انکارناپذیر از منظر اسلام معرفی می‌کند در عین حال می‌کوشد راهکارهای اجرایی توسعه و برنامه‌ریزی برای توسعه را مورد توجه قرار دهد. آثار معتناهایی از اقتصاددانان حوزوی به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران را می‌توان در این شمار ارزیابی کرد. با این وجود به نظر می‌رسد اکثر این آثار هنوز به دلایل متعدد، بیشتر به تشریح کلیات و مبنای فکری و فقهی توسعه و برنامه‌ریزی پیشرفت در اسلام پرداخته و در عین حال کمتر بر کارآمدی و توانمندیهای فکری و فرهنگی «سبک زندگی اسلامی- ایرانی» به ویژه در مقوله بایسته‌های یک الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت تمرکز یافته‌اند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد آنچه تا کنون در باب پیشرفت آن هم بر مبنای نگاه فلسفی و نه اخباری به شریعت اسلامی و شیعی نوشته شده؛ بیشتر بیان کلیات و کمتر بر مباحث فرهنگ‌سازی یا الگوسازی استوار بوده است حال آنکه مقاله حاضر با نگاهی فرهنگی بر مبنای آموزه‌های حکمرانی خوب به مقوله پیشرفت، تلاش می‌کند تا حد امکان بایسته‌های تدوین یک الگوی کارآمد و اثربخش اسلامی و ایرانی را تبیین کند.

## ۲. شاخص‌های حکمرانی خوب

شناخت بهتر و جامع مفهوم حکمرانی خوب نیازمند شاخص‌هایی مناسب است؛ نهادهای مختلف بین‌المللی و بطور خاص نهادهای وابسته به سازمان ملل نیز برای تحقق حکمرانی خوب در جوامع در حال توسعه و ارتقای آن به ارائه شاخص‌هایی سنجش‌پذیر مبادرت کرده‌اند. در

پاسخ به این نیاز، برنامه توسعه سازمان ملل متحد، خصوصیات و شاخص‌هایی برای حکمرانی خوب معرفی می‌کند که در آن بر پاسخگویی، اجماع محوری، مشارکت، قانون محوری، کارایی و اثربخشی، عدالت و برابری، مسئولیت‌پذیری و شفافیت تاکید شده است.

بانک جهانی نیز حکمرانی خوب را به واسطه ضرورت تقسیم بندی «مساله نظری»<sup>۱</sup> به شش شاخص «حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی»<sup>۲</sup>، «شاخص ثبات سیاسی»<sup>۳</sup>، «شاخص کارایی و اثر بخشی دولت»<sup>۴</sup>، «شاخص کیفیت قوانین و مقررات»<sup>۵</sup>، «شاخص حاکمیت قانون»<sup>۶</sup> و «کنترل فساد»<sup>۷</sup> تعریف می‌کند و «کافمن»<sup>۸</sup> نیز در پروژه WGI یا «شاخص‌های حکمرانی جهانی»<sup>۹</sup> پاسخگویی و مشارکت، ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت و تروریسم، اثربخشی و سودمندی دولت، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون و کنترل فساد را از جمله عناصر حکمرانی خوب می‌داند (Kaufmann et al, 2010:4). در همین حال «جان گراهام» هم در مقاله‌ای پنج اصل کلی شامل مشروعیت و مشارکت، رهبری و مدیریت، کارایی، پاسخگویی و عدالت را از جمله مهمترین اصول این اصول می‌داند که مقایسه تطبیقی شاخص‌های مذکور با آنچه گفته شد بیانگر این نکته است که شاخص‌های پیشنهادی وی افزون بر آنکه در بردارنده سایر شاخص‌ها نیز هست در عین حال به شاخص‌هایی نظیر رهبری اشاره دارد که از سوی دیگر منابع کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ این اثر در ادامه با بررسی شاخص‌های مورد نظر گراهام برای حکمرانی خوب در قرن ۲۱، این شاخص‌ها را با مولفه‌های ذهنی و فکری در فرهنگ سیاسی اسلامی و ایرانی، مورد نسبت سنجی قرار خواهد داد.

### ۳. شاخص‌های حکمرانی خوب در قرن ۲۱:

آنچنان که اشاره شد «جان گراهام» پنج اصل کلی شامل مشروعیت و مشارکت، رهبری و مدیریت، کارایی، پاسخگویی و عدالت را از جمله مهمترین اصول حکمرانی خوب می‌داند؛

<sup>۱</sup>- Theoretical Problem

<sup>۲</sup>- Voice & Accountability

<sup>۳</sup>- Political Stability

<sup>۴</sup>- Government Effectiveness

<sup>۵</sup>- Regulatory Quality

<sup>۶</sup>- Rule of Law

<sup>۷</sup>- Control of Corruption

<sup>۸</sup>- Kaufmann

<sup>۹</sup>- Worldwide Governance Indicators

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جدول ذیل شاخص‌های مذکور را که با مفاد متون مرتبط با این اصول در برنامه عمران ملل متحد تطبیق داده شده است، نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱. اصول حکمرانی خوب [Graham et al, 2003:3]

اصول حکمرانی خوب	متون مرتبط با این اصول در برنامه عمران ملل متحد
۱. مشروعیت و مشارکت	همه مردم باید در تصمیم‌سازی نقش داشته باشند چه بطور مستقیم و چه از طریق ابزارهای قانونی میانجی تا نظرشان را اعلام کنند.
	حکمرانی خوب باید برای رسیدن به اجماع بتواند بین منافع گروه‌های مختلف میانجیگری کند و تا حد ممکن در سیاست‌ها و رویه‌ها توافق ایجاد کند.
۲. رهبری	رهبران و عموم مردم باید چشم‌انداز جامع و بلندمدت همراه با احساس نیاز به حکمرانی خوب و توسعه انسانی داشته باشند که این چشم‌انداز بر مبنای پیچیدگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی باشد.
۳. کارایی	مؤسسات و جریان‌ها تلاش کنند تا به همه اعضا خدمت رسانی کنند.
	جریان‌ها و نهادها نتایج مورد نیاز و مطلوب را با استفاده بهینه از منابع بدست آورند.
۴. پاسخگویی	تصمیم‌سازان حکومتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی باید به مردم پاسخگو باشند.
	شفافیت بر پایه جریان آزاد اطلاعات شکل می‌گیرد.
۵. عدالت	همه مردم حق دارند تا حیاتشان را حفظ کنند و فرصت هایشان را ارتقا دهند.
	چارچوب‌های قانونی باید بیطرفانه باشد و بطور بیطرفانه هم اجرا شود، خصوصاً قوانین حقوق بشری.

بر این اساس در ادامه به تعاریف هر یک از شاخص‌های مذکور خواهیم پرداخت:

۳-۱- شاخص مشروعیت و مشارکت<sup>۱</sup>: مشروعیت به معنی پذیرش و تصدیق قواعد از طرف جامعه است و موضوع آن در ارتباط با کسانی است که استحقاق وضع قوانین را دارند (Lockwood, 2010:758). مشروعیت؛ کیفیت خاصی از نظم سیاسی و اجتماعی ارایه می‌دهد و بازیگران را وادار به انجام رفتار خاصی می‌کند. بر این اساس مشروعیت را می‌توان نوعی نفوذ مشروع ارزیابی کرد؛ رابرت دال در توضیح این منظور تصریح می‌کند «اقتدار نوع ویژه‌ای از نفوذ، یعنی نفوذ مشروع می‌باشد. در سیستم‌های سیاسی، رهبران همواره می‌کوشند

<sup>1</sup> - Legitimacy and Voice

تا نفوذ خود را به اقتدار تبدیل کنند» (دال، ۱۳۶۴: ۷۰). نکته دیگر اینکه در بحث مشروعیت می‌توان آن را در هر دو بخش کیفیت مشارکت و کیفیت حل مشکلات تقسیم کرد؛ به بیان بهتر «مشروعیت دروندادی»<sup>۱</sup> ناظر به کیفیت مشارکت در روند تصمیم‌سازی قوانین و مقررات است و «مشروعیت بروندادی»<sup>۲</sup> به میزان کیفیت حل مشکلات قوانین و مقررات اطلاق می‌شود که هر دو این منابع مشروعیت نظم سیاسی را تضمین می‌کنند (Risse, 2004:8). در مجموع نیز مشروعیت یکی از معیارهای کلیدی حکمرانی به لحاظ مقبولیت اخلاقی است که بدون لحاظ آن حکمرانی خوب امکان‌پذیر نخواهد بود. در همین حال به نظر می‌رسد حکمرانی خوب بر مبنای حق تعیین سرنوشت نیز بنا گردیده است که از این منظر حق ذاتی برای انتخاب وضعیت سیاسی، پیگیری فعالیت اقتصادی و توسعه فرهنگی و اجتماعی، حق اساسی برای اعمال و برخورداری از سایر حقوق‌های انسانی است (HRC, 15 July 2014). از سوی دیگر، حکمرانی خوب دربردارنده حق ذاتی مردم برای مشارکت کامل و موثر در جریان تصمیم‌سازی در مسایلی است که بر حقوق، زندگی، جامعه، سرزمین، قلمرو و منابعشان تاثیرگذار است (Johnston, 2013: 5).

**۳-۲- شاخص رهبری**<sup>۳</sup>: برای تحقق حکمرانی خوب، باید درک مشترکی از رهبری و هدف مشارکت بین مردم و رهبران وجود داشته باشد و این درک مشترک به ساخت و حفظ مشارکت قوی کمک کند. در برخی موارد دولت با در نظر گرفتن بودجه‌ی قابل توجه، ابتکار عمل را به دست می‌گیرد و در روش دیگر ممکن است این هدف از جامعه مدنی نشأت گرفته باشد و بطور مشترک بین رهبری و جامعه مدنی توسعه پیدا کند (Edgar et al, 2006:12). رهبری به لحاظ نقش عمده و غیرقابل انکار در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و ترویج مشارکت حداکثری باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. در این خصوص راهکارهایی برای افزایش کارایی مولفه رهبری توصیه می‌شود که مهمترین موارد آن به شرح ذیل است:

- ۱- آماده کردن شهروندان برای مواجهه با تغییرات و شرایط سخت؛
- ۲- سوق دادن مردم در جهت منافع مشترک و ایفای نقش فعال در جامعه؛

<sup>1</sup>Input legitimacy

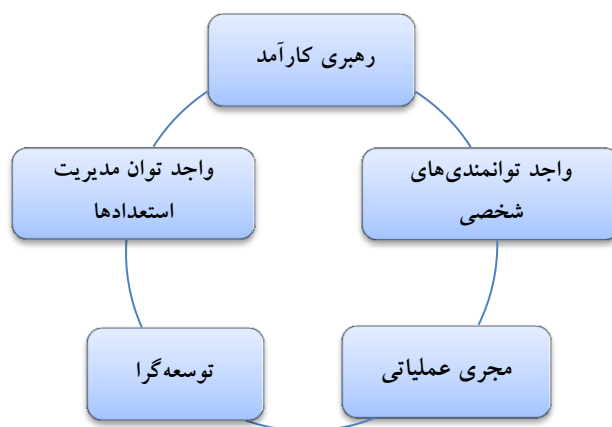
<sup>2</sup>Output legitimacy

<sup>3</sup>Direction

۳- ایجاد سرمایه‌های انسانی و اجتماعی در جوامع و مدیریت دارایی‌های مالی و فیزیکی (Porter, 2002).

در همین حال آنچنان که نتایج برخی مطالعات در خصوص «کدهای رهبری» نشان می‌دهد، رهبران دست کم باید دارای چهار ویژگی برجسته باشند. نخست آنکه تمامی رهبران برای جلب اعتماد و کسب اعتبار باید در ویژگی‌های شخصی به سایر افراد برتری داشته باشند؛ دیگر آنکه تمامی رهبران باید یک نقطه قوت در اوج داشته باشند؛ تمامی رهبران باید دستکم در قلمروهای ضعیف‌تر رهبری در حد متوسط به بالا باشند و سرانجام اینکه به هر اندازه مجموعه‌ای که رهبر از آن برمی‌خیزد مهم‌تر باشد توانایی و مهارت رهبر باید بیشتر باشد؛ (اولریش و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۹-۵۰) از سوی دیگر برخی مطالعات نیز بیانگر این نکته است که رهبری موثر مستلزم این است که رهبران و مدیران برای توسعه مورد نظر، حمایت بسیج شده و اختیارات تامین منابع برای اجرا را در دست داشته باشند (Shiplely and Kovacs, 2008:217). بر مبنای آنچه گفته شد ویژگی‌های یک رهبری کارآمد برای حکمرانی خوب را می‌توان به شرح ذیل دانست:

نمودار شماره ۱. ویژگی‌های یک رهبر کارآمد (اولریش و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۵)





۳-۳- شاخص کارایی<sup>۱</sup>: حکمرانی خوب مستلزم وجود فرآیندها و نهادهایی است که سعی آن خدمت به همه اعضا در یک بازه زمانی معقول باشد و منجر به تامین نیازهای جامعه شود و در عین حال بهترین استفاده از منابع در اختیار را امکان پذیر سازد. همچنین مفهوم اثربخشی (بهره‌وری)، استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست را شامل می‌شود (UNSCAP, 2009: 2-3). در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آنها از فشارهای سیاسی مدنظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط مشی‌های عمومی و دولتی و میزان تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد، در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد (نادری، ۱۳۹۰: ۷۶).

۳-۴. شاخص پاسخگویی<sup>۲</sup>: پاسخگویی و شفافیت مقامات سیاسی و کارگزاران دولتی در برابر مردم به مسائلی مانند در دسترس بودن اطلاعات، آزادی رسانه‌ها، شفافیت در تصمیم‌گیری و وجود مکانیزم‌های پاسخگویی موسسات برای عموم، جهت سنجش رفتار آنها، بستگی دارد. دولت باید سیستم‌های پاسخگویی و اطلاعات داشته باشد تا از این طریق شفافیت در عملکردش را ارتقا دهد و اعتراضات را مدیریت کند و با بازخوردهایی که از روندهای دموکراتیک به دست می‌آورد، خود را کنترل نماید. آگاهی‌های عمومی از سیاست‌های کلیدی، کیفیت و اثربخشی تلاش‌های دولت را برای توسعه بهبود می‌بخشد. سلسله مراتب نهادی در هر کشوری بسته به نوع فرهنگ، سنت و تاریخ هر جامعه متفاوت است و باید با توجه به این ویژگی‌ها در هر کشوری طراحی مقتضی صورت گیرد (OECD, 1993: 2-8). از سوی دیگر پاسخگویی مستلزم رعایت اصل شفافیت است که این اصل در معنای گسترده به صورت دسترسی عموم به اطلاعات مربوط به سیاست‌ها و راهبردهای حکومت تعریف شده است. شفافیت مستلزم فراهم ساختن زمینه‌ی مشارکت مردم در سیاست‌گذاری‌ها و اجرای سیاست‌های حکومت و همچنین ایجاد امکان بحث و جدل درباره تصمیماتی است که بر زندگی شهروندان تاثیر می‌گذارد (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۴۴۶).

---

1-Performance

2-Accountability

۳-۵- شاخص عدالت<sup>۱</sup>: عدالت در حکمرانی خوب، برحاکمیت قانون و برابری شهروندان در برابر قانون دلالت می‌کند و حاصل برابری شهروندان در برابر قانون، بنیان نهادن اقدامات حکومت بر اقتدار مشروع و حق پیگیری مطالبات قانونی شهروندان از حکومت است (Graham, 2003:5). در جوامعی که حاکمیت قانون قوی است، مردم از قانون حمایت می‌کنند که این حمایت نه از روی ترس؛ بلکه به واسطه سهم عمده‌ای است که در اثرگذاری آن دارند. به بیان دیگر در حالی که رژیم‌های فاسد و سرکوب‌گر بنا به خواست خود، وضع قانون می‌کنند اما حکومت‌های قانونی به همکاری با جامعه اعتقاد دارند (Johnston, 2013:2). همچنین در این شاخص، میزان احترام عملی که دولتمردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده‌اند، ملاک ارزیابی قرار می‌گیرد (کمیجانی و سلاطین، ۱۳۸۷:۶).

#### ۴. آموزه‌های حکمرانی خوب و الگوی اثربخش اسلامی و ایرانی پیشرفت

بر اساس آنچه گفته شد به نظر می‌رسد هرگونه الگوی کارآمد اسلامی و ایرانی پیشرفت نیز باید بتواند نسبت به تحقق عملیاتی اهداف کشور موفق عمل کند و در عین حال منجر به افزایش مشروعیت، کارآمدی و عدالت شود؛ بر این اساس این نوشتار در ادامه به تبیین مهمترین ملاحظات نظری و کانون‌هایی خواهد پرداخت که در تدوین یک الگوی کارآمد اسلامی و ایرانی پیشرفت، مطابق با آموزه‌های حکمرانی خوب باید مورد توجه قرار گیرد.

#### ۴-۱- تعریف و تأمین منافع ملی

یکی از مهمترین آموزه‌های نظریه حکمرانی خوب تاکید بر نگاه استراتژیک مردم و رهبران و همچنین داشتن چشم‌انداز جامع و بلندمدت بر مبنای پیچیدگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است؛ در همین حال هر واحد سیاسی جهت دفاع از موجودیت و حرکت خود منافع را تعیین می‌کند و در مقام ایجاد امنیت برای آن‌ها بر می‌آید (مورگنتا، ۱۳۷۶: ۱-۲۴). طبیعی است که لازمه‌ی انجام چنین کاری، وجود میزانی از انسجام درونی است. زمانی که از انسجام درونی بحث می‌شود، به این معناست که همه‌ی نهادها، چه در حوزه‌ی اجتماع عمل کنند و چه در حوزه‌ی سیاست، در جهت پیشبرد اهداف کلی جامعه‌ی سیاسی قرار می‌گیرند. در حال

حاضر به دلیل رشد و قوام مفهوم وفاداری به موطن قومی و کشور، از این هدف کلی به «منافع ملی» تعبیر می‌شود (رجایی، ۱۳۷۲: ۷۷۶).

تشتت و تعدد در مورد مفهوم منافع ملی سبب می‌شود که از آن به عنوانی مفهومی بومی استفاده شود. بر این مبنا هر واحد دولت - ملتی بر حسب نیاز، توانایی و محدودیت‌های خود باید به تعریفی صریح و به دور از ابهام دست یابد. به بیانی بهتر نظام‌های ملی از آن‌جا که هر کدام در یک شرایط مخصوص و منحصر به خود قرار دارند بر اساس عقلانیت سیاسی و ملی، به دور از هرگونه شعارزدگی، با توجه به نیازها، تهدیدات، جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین امکانات و محدودیت‌ها، جمعیت، وسعت سرزمینی و جغرافیای سیاسی و اقلیمی خود، باید اهداف و منافع ملی خود را به صورتی طراحی و اولویت‌بندی کنند که با کم‌ترین هزینه بدان نائل آیند؛ بنابراین نظام جمهوری اسلامی نیز به عنوان واحد دولت - ملت باید به صورتی منافع و اهداف ملی خود را تنظیم کند که علاوه بر حفظ بقای خود، بتواند با پرداخت هزینه‌های اندک و با کنترل تهدیدها و مقابله با خطرات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به آرمان‌های خود دست یابد، یعنی بتواند هم در داخل حیا طیبه‌ای ایجاد کند که این مهم از طریق توسعه‌ی همه‌جانبه قابل تحقق می‌باشد و هم در راستای کارویژه‌ی جهانی خود که همانا صدور ارزش‌های اسلامی و انسانی انقلاب اسلامی است، توفیق حاصل نماید.

انقلاب اسلامی پس از پیروزی و تشکیل دولت جمهوری اسلامی، دارای دو کارویژه‌ی اساسی شد. به عبارتی این انقلاب که بنابر سخنان بنیان‌گذار آن، متعلق به ابنای بشر است زیرا بر اساس اسلام است و اسلام برای همه‌ی بشریت نازل شده است، دارای یک کارکرد داخلی و یک کارکرد خارجی است. به بیان بهتر جمهوری اسلامی از سویی در قبال شهروندان خود مسئول بوده و باید بتواند کشور را پیشرفته و آباد سازد، از امنیت آن دفاع کند و مردم را به سعادت دنیوی و اخروی سوق دهد که این امر خطیر جز از طریق توسعه‌ی اقتصادی و دینی قابلیت اجرا ندارد و از سوی دیگر نیز جمهوری اسلامی به موجب رسالت اسلامی، وظیفه‌ای جهانی دارد. دین اسلام برای خود وظیفه‌ای جهانی قائل است که بر اساس باور اسلامی، سرانجام عالم‌گیر خواهد شد. انقلاب اسلامی باید با تشویق مسلمانان منطقه به همگرایی، سرزمین‌های اسلامی را متحد ساخته و نیز در عرصه‌ی بین‌المللی از مظلومان عالم و کشورهای ستم‌دیده در مقابل مستکبران و ستمگران غرب و شرق دفاع کند، و آنان را در راه انقلاب جهانی فرا خواند. این وظیفه و کارکرد دوم نیز نشان از آن دارد که جمهوری اسلامی برای

توفیق در این هدف عالی و ارزشمند نیاز به تأمین بقای خود، کسب قدرت و ارائه‌ی الگویی دنیوی و طیبه دارد. در بررسی الزامات و ضرورت‌های مطروحه در شکل‌گیری و تعیین سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی، دو جنبه‌ی متفاوت مشاهده می‌شود. جنبه‌ی اول به این مهم اشاره دارد که ایران یک محدوده‌ی سرزمینی و یک واحد سیاسی در نظام دولت-ملت است که عضو خانواده‌ی جهانی است؛ بنابراین خواه ناخواه متأثر از قواعد، قوانین و هنجارهای حاکم بر روابط و نظام بین‌الملل معاصر و همچنین متأثر از الزامات و تعهداتی است که یک دولت ملی در قبال کشور و جمعیت مستقر در آن بر عهده دارد. جنبه‌ی دیگر آنکه در این محدوده‌ی سرزمینی و این چارچوب از قبل آماده شده و تا حد زیادی قالب‌بندی شده، یک نظام اسلامی طی یک حرکت انقلابی فراگیر مردمی، مستقر گردیده است که قبل از هر چیز مشروعیت آن ناشی از اسلام، عقیده‌ی اسلامی و تعهد به آرمان‌های اسلامی می‌باشد. بر این اساس هویت اسلامی و بقای نظام جدید در گرو اسلامی ماندن آن است. این مسئله که نظام جمهوری اسلامی ایران، ترکیبی از دو خصیصه‌ی اسلامی و ملی است، شاید در وهله‌ی اول تعریفی ساده به نظر برسد و موجب عبوری سهل‌انگارانه گردد (نخعی، ۱۳۷۶: ۲۶۶-۲۶۹). از این روی جمهوری اسلامی در طرح‌ریزی منافع ملی و حفظ مصالح اسلامی، بسیار باید نسبت به دیگر کشورها، دقیق‌تر عمل نماید. در این ارتباط جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۴ با ارائه‌ی سند چشم‌انداز بیست‌ساله، تلاش کرد تا برای تحقق اهداف ملی خود، نقشه‌ی راهی را ترسیم کند که در آن منافع ملی نیز تأمین گردد. در واقع این چشم‌انداز با بیان اینکه کشور باید از نظر علمی، اقتصادی و نظامی در منطقه، در جایگاه نخست قرار گیرد، در پی آن است که تعریفی منحصر به خود از منافع ملی را مد نظر قرار دهد و به موجب این منافع ملی به اهداف ملی و فراملی خود دست یابد. افزون بر این جمهوری اسلامی به دلیل وجود بینش اسلام شیعی، می‌بایستی ملزومات نیل به «منافع ملی» و «مصالح دینی» را در نظر گرفته و هر دو را با هم پیش ببرد.

این ترکیب منافع ملی و مصالح اسلامی و شیعی، نیاز به ارائه‌ی الگویی بومی از توسعه و پیشرفت را بیش از پیش نشان می‌دهد و نیز بر این نظر تأکید می‌کند که نظریات نوسازی و توسعه‌ی غربی پاسخگوی اهداف مورد تأکید نخواهند بود و جمهوری اسلامی ایران به عنوان الگوی جدید حکمرانی برای انسان معاصر، نمی‌تواند در این زمینه بر الگوهای سکولار متکی باشد؛ بدین ترتیب ملاحظه می‌شود تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با منافع کلان ملی

جمهوری اسلامی از حیث ایجاد الگوی منحصر به فرد توسعه، پیوستگی و وابستگی تام و تمام دارد و با این وصف می‌تواند با اتکا به تجربیات بشری در قالب حکمرانی خوب ضمن تعریف و تامین منافع ملی، کارایی و توانمندی خود را بیشتر گسترش دهد.

#### ۴-۲- توانایی مواجهه با تهدیدات نرم و هوشمند<sup>۱</sup>

یکی دیگر از آموزه‌های حکمرانی خوب تاکید بر ضرورت حفظ مشروعیت و مشارکت و جهت‌گیری مورد اجماع در مواجهه با تهدیدات است؛ این در شرایطی است که بسیاری از تحلیلگران سیاسی و اقتصادی در نقد موقعیت و بررسی بحران‌های حاصل از مواجهه اسلام سیاسی و غرب، مهم‌ترین دلیل منازعه، جنگو تخاصم بین اسلام‌گرایان و غرب به ویژه آمریکا را با نظریه هژمونی، توأم کرده‌اند و بر این باور هستند که جمهوری اسلامی از آن حیث تحت فشار غرب قرار گرفته است که می‌کوشد تا هژمونی فرهنگ و تمدن غرب به رهبری آمریکا را در منطقه خاورمیانه و دیگر نقاط جهان بی‌اعتبار جلوه داده و مفروضاتی را که تا کنون غرب را الگوی توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌دانست، بدون پایه و اساس نشان دهد (نک: سعید، ۱۳۷۹: ۵). بر مبنای این نگرش، اسلام سیاسی برخلاف دیگر مبارزان علیه نظم جهانی، با سنت‌های سیاسی که بیش از دو قرن از سوی غرب تبلیغ شده است، سر سازش ندارند و ارجاعات مسلمانان نیز نه به حقوق بشر و مارکسیسم در اشکال مختلف بلکه به قرآن و تاریخ حکومت پیامبر اسلام و امپراتوری اسلامی از اواسط قرن هفتم میلادی است. بدینسان به نظر می‌رسد جریان اسلام‌گرا، پرسش‌هایی جدی را درباره مرزها و آنچه میراث عصر اروپا خوانده می‌شود، ایجاد می‌کند. به بیان بهتر پیدایش جریان اسلام سیاسی، عامیت غرب را به مبارزه می‌طلبد و بر کاستی‌های تمدن غرب انگشت می‌گذارد (Spelman, 1990: 158).

در حال حاضر جمهوری اسلامی به عنوان نظامی بر پایه‌ی اسلام سیاسی و شیعی، از جمله بزرگ‌ترین غیرهای گفتمان غربی به شمار می‌رود و از آنجایی که جمهوری اسلامی در برابر نظام معناساز آمریکا و صهیونیسم قرار گرفته طبیعی است که تمدن غرب، این نظام معناساز را با چالش‌ها و تهدیدات فرهنگی فراوانی روبرو سازد. بر این اساس نظام جمهوری اسلامی برای حفظ بقا، مواجهه با تهدیدات معنایی و فرهنگی و فراتر از آن صدور پیام انقلاب، باید به واسطه برخورداری از آموزه‌های حکمرانی خوب از جمله افزایش توان پاسخگویی واقعی به نیازهای

1. Soft & Smart Threat

داخلی و خارجی و جلب مشارکت توده‌های مردم، توان خود را در زمینه‌ی معناسازی و صنعت فرهنگی افزایش دهد و با در نظر داشتن ضرورت تولید رقابتی و تجاری این قبیل آثار برای صادرات آن تمهیدات ویژه بیاندیشد. بر این مبنا ضرورت تولید علوم انسانی بومی و تبیین دانش سودمند از سوی پژوهشگران و متخصصان حوزه علوم انسانی یکی دیگر از کارکردهای عملیاتی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت محسوب خواهد شد که در عین حال می‌تواند از حجم تهدیدات نرم و هوشمند دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران به میزان معتناه‌ی بکاهد.

#### ۴-۳- توانایی ساخت الگوی حیات طیبه

رعایت عدالت به همراه توان پاسخگویی و کارآیی از آموزه‌های مهمی است که نظریات حکمرانی خوب به طور معمول بر آنها تأکید دارند. از سوی دیگر، امام خمینی با احیای اصول اسلامی دعوت و اتحاد ملل مسلمان و حمایت از مظلومین و هویت‌بخشی به واژگانی نظیر «مستضعف» در برابر «مستکبر»، «اسلام ناب محمدی» در برابر «اسلام آمریکایی»، «کوخ نشین» در مقابل «کاخ نشین»، «اتحاد مسلمین» در برابر «نظام دو قطبی»، «امتراج دین و سیاست» در مقابل «سکولاریسم»؛ گفتمان و اندیشه‌ی اسلامی خویش را مطرح ساخت. تمامی این واژگان حول اسلام و اهداف اسلامی گرد می‌آمدند و هدف از اعلام و احیای این ارزش‌ها برای نیل به غایت اصلی اسلام، یعنی سعادت و کمال بشریت بود. ماهیت اصلی تفکر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی نفی ظلم‌پذیری، نفی سلطه‌گری، نفی سکوت و برخورد انفعالی است. امام خمینی انقلاب اسلامی مردم ایران را متعلق به تمامی بشر دانسته و به همین دلیل همه‌ی ملل را دعوت به این ارزش‌ها نمودند و مسئله‌ی صدور معنوی انقلاب اسلامی را مطرح ساختند. «ما که می‌گوییم «انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم»، می‌خواهیم این را صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم. عراق با ما الآن مدتهاست دارد حمله می‌کند و ما هیچ حمله‌ای به آنها نمی‌کنیم. آنها حمله می‌کنند ما دفاع می‌کنیم... ما می‌خواهیم که این انقلابمان را، انقلاب فرهنگی‌مان را، انقلاب اسلامی‌مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم. و اگر این انقلاب صادر شد، هر جا صادر بشود این انقلاب، مشکل حل می‌شود» (امام خمینی، ج ۱۳۸۶: ۱۳، ۹۱).

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

به همین منظور در بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی، دولت موظف به تنظیم سیاست خارجی بر اساس اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان و حمایت از مستضعفان جهان است. از مهم‌ترین مفاهیم صدور انقلاب در قانون اساسی می‌توان به این موارد اشاره کرد: حمایت از مبارزه‌ی حق‌طلبانه‌ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان، تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمین جهان، ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام. امام خمینی با اعتقاد به اینکه اسلام راه کمال و سعادت انسانی در دنیا و آخرت است، بر ارائه‌ی الگوی حیات طیبه از جانب نظام جمهوری اسلامی ایران به تمام جهانیان، تأکید بسیار داشتند که این امر افزون بر ارتقای سطح زندگی مردم و رفاه اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ی ایرانی - اسلامی، می‌تواند ارزش‌های انقلاب اسلامی را به بهترین نحو آن ارائه و صادر کند:

«ما از خداوند می‌خواهیم که این نهضت اسلامی و نهضت انسانی سرمشق باشد از برای تمام مستضعفین، و هشدار باشد بر مستکبرین. مستکبرین گمان نکنند که باید حکومت کنند بر مستضعفین و آن‌ها را استعمار و استثمار کنند. مستضعفین حکومت را به عنوان حکومت نشناسند بلکه به عنوان خدمتگزار بشناسند» (امام خمینی، ج ۷، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

از سوی دیگر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی از منظری واقع‌گرایانه تأکید می‌کند که از دست رفتن نظام اسلامی در ایران چه خسارت عظیمی است:

«و من به شما عرض کنم که اگر خدای نخواست، خدای نخواست، خدای نخواست اسلام در ایران سیلی بخورد، بدانید که در همه دنیا سیلی خواهد خورد؛ و بدانید که به این زودی دیگر نمی‌تواند سرش را بلند کند. این الآن یک تکلیف بسیار بزرگی است که از همه تکالیف بالاتر است، حفظ اسلام در ایران» (امام خمینی، ج ۱۷، ۱۳۸۶: ۳۸۴).

آنچنان که برخی از پژوهشگران معتقدند انقلاب اسلامی در واقع نخستین جنبش سیاسی و اسلامی بود که به موفقیت رسید و بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی با قدرت‌های شرق و غرب به ستیزه پرداخت و روحی از شادی و شرف را بدین وسیله در جهان اسلام ایجاد نمود (اسپوزیتو و وال، ۱۳۹۰: ۱۲۸). سخن فوق‌بدان معناست که حفظ جمهوری اسلامی نه تنها به موجب نگرشی ملی بلکه در جهت حفظ اسلام و دین اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، و همین امر ضرورت تلاش را بیش از پیش می‌نماید. اما به یقین این مهم تنها با ایجاد یک الگوی ملی

قدرتمند محقق خواهد شد و البته نائل شدن به این هدف جز با توسعه‌ی ملی و ارتقای علمی به دست نخواهد آمد.

وجود دو کارکرد ملی و فراملی انقلاب اسلامی یعنی ایجاد نظامی اصیل مبتنی بر اصول اسلامی و توسعه‌یافته با بهره‌گیری از اندیشه‌های بومی و همچنین ارائه‌ی راه حلی منطقی و علمی به کشورهای مسلمان و مردم جهان، برای رها شدن از ظلم مستکبران و نیز ارائه‌ی الگوی توسعه‌ی الهی به این معنا که سعادت دنیا و نیز نیل به کمال الهی را توأمان در خود جای دهد، موجب می‌شود که منافع ملی و مصالح اسلامی با یکدیگر ممزوج شده و اهداف این نظام را بیش از پیش آرمانی و متعالی سازد. جمهوری اسلامی در واقع نمی‌تواند بدون کسب قدرت و ثروت، این اهداف را محقق ساخته و منافع و مصالح ملی - اسلامی را حفظ کند.

بدین ترتیب و با توجه به ریشه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی نمی‌توان ضرورت ساخت الگوی حیات طیبه را نادیده گرفت و به صورتی سهل‌انگارانه از کنار آن گذشت. زیرا این انقلاب امری دفاعی نبوده و واقعه‌ای ریشه‌دار و تقابلی تاریخی است؛ بدین صورت که آغاز آن به تلاش برای مدرنیزاسیون و ساخت دولتی بر پایه‌ی الگوی مدرن غربی باز می‌گردد که از منظر روحانیت و علمای شیعه این امر سبب تحدید نفوذ اسلام و شریعت در زندگی مردم می‌شد و به نوعی اجرای احکام و قوانین اسلامی را با ابهام روبرو می‌ساخت. از آنجا که دولت پهلوی اول تلاش می‌کرد از طریق مدرنیزاسیون، سکولاریزاسیون و ایدئولوژی ناسیونالیسم باستان‌گرا، قدرت دولتی را مضاعف ساخته و ایدئولوژی و گفتمان تشیع را تضعیف کند (غنی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۳۵ و سینایی، ۱۳۸۴: ۱۸۸)، علما و نیروهای مذهبی می‌کوشیدند در برابر این تهدید وارداتی ایستادگی نمایند. این امر در واقع نشان می‌دهد که دشمن اصلی اسلام شیعی در ایران، نه حکومت پهلوی، بلکه مدرنیسم غربی بود به همین جهت مبارزه‌ی انقلابیون دو وجه داخلی و خارجی داشت به صورتی که در بعد داخلی با شاه و سیاست‌های وی مبارزه می‌شد و در بعد خارجی با دولت‌های مدرن و پیشرفته‌ی غربی به ویژه ایالات متحده به عنوان مشوقان اصلی دولت پهلوی در انجام اقدامات مدرن و ضد‌مذهب مخالفت می‌گردید (بدیع، ۱۳۸۰: ۲۵۶).

بر این پایه می‌توان چنین استنتاج نمود که نیروهای مذهبی و پیروان انقلاب اسلامی با نفی مدرنیسم و نوسازی با الگوی غربی و وارداتی، اولین اقدام (سلبی) را انجام دادند و در اقدام دوم که از مرحله‌ی نخست بسیار مهم‌تر و دشوارتر به نظر می‌رسد، باید عملکردی اثباتی داشته و مدل و الگوی جدید، کارآمد، واقع‌گرایانه و قابل دست‌یابی بر اساس مؤلفه‌ها و مبانی اسلامی،



ایرانی و شیعی ارائه نماید تا در مبارزه به پیروزی دست یابد. به بیانی بهتر می‌توان گفت که انقلاب اسلامی توانست در سال ۱۳۵۷ در اولین گام به صورتی سلبی مخالفت خود را با نوسازی غربی و دولت مدرن اعلام نماید و نماد آن را ساقط کند، اما برای پیروزی نهایی در برابر الگوی دولت مدرن باید خود نیز در گامی اثباتی الگویی بر پایه‌ی ایدئولوژی و معیارهای اسلامی ارائه نماید تا در هدف خود به توفیقی حقیقی نائل گردد و در عین حال فرایند صدور انقلاب را تکمیل کند.

با توجه به آنچه بیان شد، نظام جمهوری اسلامی به عنوان راه جدید زیستن، که در آن هدف تعالی انسانی و حیات طیبه است، چاره‌ای جز ارائه‌ی الگوی کارآمد برای مردم جهان ندارد. در واقع جمهوری اسلامی باید به منظور اثربخشی الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت ضمن دستیابی به علوم و نرم‌افزارهای نوین بتواند با بهره‌گیری از آموزه‌های حکمرانی خوب به همراه آموزه‌های تشیع، مفهوم حیات طیبه را در برابر حیات مبتنی بر کسب لذت و منفعت در نظام جهانی صورت‌بندی کند و در مقابل مزایای عملی شیوه‌های سبک زندگی مومنانه و زیست ایمانی را بیش از پیش به جهان تحت حاکمیت پارادیم سرمایه‌داری نشان دهد.

#### ۴-۴- توانایی تولید ثروت ملی

آنچنان که پیش‌تر آمد، حکمرانی خوب مستلزم کارایی و اثربخشی و همچنین ایجاد شفافیت است؛ جمهوری اسلامی بنا بر منطق گفتمانی خود، دارای اهداف و آرمان‌های متعالی و فراملی است که برای نیل به آن‌ها امکانات فراوانی را لازم خواهد داشت، که از جمله‌ی این امکانات ثروت‌هنگفتی است که از طریق آن می‌تواند در مسیر ساخت حیات طیبه، نفی سبیل، تألیف قلوب، کمک به جنبش‌های اسلامی و رهایی‌بخش و مبارزه علیه استکبار جهانی، با چالش کمتر و همچنین استقبال بیشتری مواجه شود. تردیدی نیست که برای صدور ارزش‌های گفتمانی، ساخت حیات طیبه و به بیانی دیگر ایجاد ایرانی توسعه‌یافته ضروری است که این امر بدون داشتن مؤلفه‌هایی خاص حاصل نخواهد شد.

هر کشوری با توجه به توانمندی‌های انسانی، اقتصادی، صنعتی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، مسیر توسعه‌ی پایدار را برای خود تعریف می‌نماید، اما آنچه که وجودش در این مسیر بسیار جدی و ضروری بوده و بدون آن نمی‌توان به توسعه رسید، وجود نیروی انسانی کارآمد می‌باشد. بسیاری از کشورها با اتکا به همین مؤلفه توانسته‌اند در زمره‌ی کشورهای پیشرفته و

توسعه یافته قرار گیرند در حالی که کشورهای زیادی وجود دارند که با منابع فوق‌العاده غنی و ثروت‌های طبیعی نتوانستند از عقب‌ماندگی‌های یابند. به همین روی می‌توان توسعه‌ی منابع انسانی را مهم‌ترین عامل و ضرورت در جهت نیل به توسعه‌ی پایدار تلقی کرد. اما این نیروی انسانی زمانی توسعه یافته خواهد بود که به سلاح علم و فن‌آوری مجهز باشد و در واقع توسعه‌ی دانایی محور را در دستور کار خود قرار دهد (زلفی‌گل، ۱۳۸۳: ۱۶). از آنجا که در جهان امروز نیروی کار یدی در حال محو شدن می‌باشد و تفکر، خلاقیت و تولید اطلاعات محور رشد کشورها تلقی می‌شود (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۳۶۹). بنابراین، بستر سازی مناسب برای تحقق الگوی مبتنی بر تولید ثروت در الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت ضروری به نظر می‌رسد و جمهوری اسلامی نیز ناگزیر از تولید ثروت برای تحقق اهداف مورد نظر است. بر این مبنا تولید دانش و فن‌آوری روزآمد و نوین و صدور آن به کشورهای دیگر بدون تردید سبب تولید ثروت خواهد شد و تغییر شیوه مدیریت، افزایش ابداعات، اختراعات، افزایش کیفیت و سطح بهره‌وری در صنایع جدید و نظایر آن می‌تواند به صورت طبیعی در تولید ثروت ملی نقش بزرگ و اساسی ایفا کند و کشور را از اتکا به ثروت‌های زیرزمینی و منابع فانی برهاند. مبنای ثروت‌آفرینی و اقتصاد امروز، دانش و تخصص است و جهان بیش از هر زمان دیگری میدان مسابقه‌ی اقتصادی شده و صنعت از هر دوره‌ی دیگری بیشتر به دانش و اندیشه متکی است در واقع دانش، شرط اصلی بقاست و غفلت از آن سبب واگذاری توسعه‌ی اقتصادی و تولید ثروت به رقبا خواهد شد. همچنین در عصر حاضر به دلیل کاهش سطح منابع طبیعی، تولید دانش جدید و روزآمد می‌تواند در عرصه‌ی تولید از «چه باید تولید کرد» به «چگونه می‌توان از منابع بهترین بهره‌برداری را داشت» حرکت کرده و چالش کمبود مواد خام را تا حد زیادی از میان بردارد (رجایی، ۱۳۸۰: ۱۱۲). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود تولید و افزایش ثروت ملی نیز باید یکی دیگر از ارکان اثربخشی الگوی موفق اسلامی و ایرانی پیشرفت باشد که خود می‌تواند از طریق توجه به برخی آموزه‌های حکمرانی خوب محقق شود.

## ۵. جمع‌بندی و پیشنهادات:

در نوشتار حاضر تلاش شد تا ضرورت بهره‌گیری از آموزه‌های نظریه حکمرانی خوب که نظریه‌ای مبتنی بر خرد جمعی بشری است، در دهه چهارم انقلاب اسلامی به عنوان ضروری‌ترین شرط کارآمدی و اثربخشی الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت، مورد بررسی و توجه قرار گیرد. به همین روی ضمن مروری بر ویژگی‌ها و آموزه‌های حکمرانی خوب، ضرورت‌های واقع‌گرایانه و الزامات اثربخشی الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت مورد توجه قرار گرفت. در مجموع می‌توان گفت که جمهوری اسلامی به عنوان نظامی مبتنی بر اسلام شیعی که ارزش‌های خود را متعلق به همه‌ی ابنای بشر می‌داند، بر اساس رهنمودهای واقع‌گرایانه‌ی امام خمینی و مطابق با اصول و آموزه‌های حکمرانی خوب باید به ساخت الگوی حیات طیبه مبادرت ورزد. همچنین با عنایت به این نکته که انقلاب اسلامی به دلیل منطبق بودن با مقتضای مبارزه با استکباری و مادی خود در برابر نظام سلطه‌ای قدرتمند قرار گرفته و به شدت از جانب آنان مورد تهدید نرم و سخت قرار می‌گیرد، لذا باید در مقابل این تهدیدات به دفاع منطقی و متناسب پرداخته و خود را از هر حیث تقویت نماید تا افزون بر حفظ بقا و برزیستن در شرایط دشوار، به مردم مستضعف جهان یاری رسانده و آنان را به سعادت واقعی رهنمون سازد. در نهایت باید گفت که دستیابی به اهداف انقلابی و الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت که منجر به صدور انقلاب اسلامی ایران شود، بدون اثربخشی، رهبری، مشارکت، مشروعیت، پاسخگویی، عدالت و کارآمدی و همچنین تولید دانش و معنا در تمام رشته‌های علمی و در عین حال تجاری سازی تولیدات به هیچ عنوان محقق نخواهد شد و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت متکی به آموزه‌های حکمرانی خوب در واقع به معنای شرط لازم و کافی برای حصول به این موفقیت است.

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

## منابع:

۱. اسپوزیتو، جان و جان وال (۱۳۹۰)، جنبش‌های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)، ترجمه شجاع احمدوند، تهران: نشر نی.
۲. اینگلهارت، رونالد و ولزل، کریستین (۱۳۸۹)، نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر.
۳. بدیع، برتران (۱۳۸۰)، دو دولت؛ قدرت و جامعه در غرب و در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز).
۴. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۶)، صحیفه‌ی امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰)، پدیده‌ی جهانی شدن؛ وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: نشر آگه.
۶. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۲) «چالش بنیادگرایی و پاسخ غرب»، مجله سیاست خارجی، سال هفتم، شماره ۴.
۷. زلفی‌گل، محمدعلی (۱۳۸۳) «از ترویج علم تا تولید ثروت از دانش»، فصلنامه رهیافت، شماره ۳۳.
۸. سعید، بابی (۱۳۷۹)، هراس بنیادین، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. سینایی، وحید (۱۳۸۴)، دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران (۱۳۵۷-۱۲۹۹)، تهران: نشر کویر.
۱۰. غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۹)، تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر، تهران: نشر مرکز.
۱۱. مورگنتا، هانس‌جی (۱۳۷۶)، سیاست در میان ملتها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۲. نخعی، هادی (۱۳۷۶)، توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۳. ----- (۱۳۸۷)، قانون اساسی و مدنی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات کمالان.
۱۴. اولریش، دیو. اسمالوود، نورم. سوئیت من، کیت (۱۳۸۸)، کدهای رهبری سازمانی، ترجمه مسعود بینش و افشین دبیری، تهران: مؤسسه مطالعات بهره‌وری منابع انسانی.
۱۵. دال، رابرت (۱۳۶۴)، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین مظفریان، تهران: نشر نی.
۱۶. شریف‌زاده، فتاح و قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۲)، «حکمرانی خوب و نقش دولت»، فرهنگ مدیریت، شماره چهارم.

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۱۷. قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۴)، «تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری»، فرهنگ مدیریت، شماره ۱۰.
۱۸. کمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه (۱۳۸۷)، «تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OECD»، فصلنامه مدل سازی اقتصادی، شماره ۲.
۱۹. گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸)، دانشنامه‌ی روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه علی رضا طیب، تهران: نشر نی.
۲۰. مبارک، اصغر. آذریبوند، زیبا (۱۳۸۸)، «نگاهی به شاخص های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۶.
۲۱. مستقیم، بهرام (۱۳۸۷)، «تلاش برای شناختن سکنداری خوب»، فصلنامه سیاست، شماره سوم.
۲۲. میدری، احمد، خیرخواهان، جعفر (۱۳۷۹)، حکمرانی خوب؛ بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش های مجلس.
۲۳. میدری، احمد (۱۳۸۳)، «تغییر در سیاست های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب»، نامه مفید، شماره ۴۲.
۲۴. نادری، محمد مهدی (۱۳۹۰)، «حکمرانی خوب؛ معرفی و نقدی اجمالی»، اسلام و پژوهش های مدیریتی، سال اول، شماره اول.

25. Edgar, Laura. Marshall, Claire. Bassett, Michael. (2006). "Partnerships: Putting good governance Principles in Practice", Institute on Governance (IOG). Available online at: [http://userpage.fu-berlin.de/~atasp/texte/tn\\_governance\\_benz.pdf](http://userpage.fu-berlin.de/~atasp/texte/tn_governance_benz.pdf)
26. Graham, John. Amos, Bruce. Plumptre, Tim. (2003). Good Governance in the 21<sup>st</sup> Century, *policy Brief*, No 15. Available online at: <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/UNPAN/UNPAN011842.pdf>
27. HRC. (15 July 2014). Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights and fundamental freedoms of indigenous people, UN Doc.
28. Johnston, Michael. (2013). "Good governance: Rule of law, Transparency and Accountability", Colgate University. Available online at: <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/un/unpan010193.pdf>
29. Kaufmann, Daniel. Kraay, Aart. Masturuzzi, Massimo. (2010). the Worldwide Governance Indicators, Methodology and Analytical Issues, Development Research Group of World Bank, Available online at: [http://www.brookings.edu/~media/research/files/reports/2010/9/wgi%20kaufmann/09\\_wgi\\_kaufmann.pdf](http://www.brookings.edu/~media/research/files/reports/2010/9/wgi%20kaufmann/09_wgi_kaufmann.pdf)
30. Lockwood, Michael. (2010). "Good governance for terrestrial Protected areas: A framework, principles and performance outcomes", Journal of

- Environmental Management, No 91. Available online at: [http://www.researchgate.net/publication/38073511\\_Good\\_governance\\_for\\_terrestrial\\_protected\\_areas\\_A\\_framework\\_principles\\_and\\_performance\\_outcomes](http://www.researchgate.net/publication/38073511_Good_governance_for_terrestrial_protected_areas_A_framework_principles_and_performance_outcomes)
31. OECD. (1993). Dac Orientations on Participatory Development and Good Governance, Organization for Economic Co- operation And Development Paris. Available online at: [http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=1&cad=rja&uact=8&ved=0CCAQFjAA&url=http%3A%2F%2Fwww.oecd.org%2Fdac%2Fgovernance-development%2F31857685.pdf&ei=fzyoVLK1EYGwUam5g6AF&usg=AFQjCNGKRpkwz-FGE7-wAEbb9A49v1a51A&sig2= ZcTpbhKFggM1VZ0\\_o0efQ&bvm=bv.82001339.d.d24](http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=1&cad=rja&uact=8&ved=0CCAQFjAA&url=http%3A%2F%2Fwww.oecd.org%2Fdac%2Fgovernance-development%2F31857685.pdf&ei=fzyoVLK1EYGwUam5g6AF&usg=AFQjCNGKRpkwz-FGE7-wAEbb9A49v1a51A&sig2= ZcTpbhKFggM1VZ0_o0efQ&bvm=bv.82001339.d.d24)
  32. Porter, Julia. (2002). "Sustainability and good governance \_ what can we learn from The Urban Governance Initiative?" UTS Centre for Local Government. Available online at: <http://www.regional.org.au/au/soc/2002/4/porter.htm>
  33. Ringmar, Erik. (1997). A Social Scientist Struggling with History, in, Iver Neumann and Ole Waever, **The Future of International Relations**, London: Routledge.
  34. Risse, Thomas. (2004). "Transnational Governance and legitimacy", Center for Transatlantic Foreign and Security Policy, Freie University Berlin. Available online at: [http://userpage.fu-berlin.de/~atasp/texte/tn\\_governance\\_benz.pdf](http://userpage.fu-berlin.de/~atasp/texte/tn_governance_benz.pdf)
  35. Shipley, Robert. Kovacs, Jason. (2008). "Good governance principles for the cultural heritage sector: lesson from international experience", corporate governance, No 8. Available online at: <http://env-eb2.uwaterloo.ca/hrcresearch/attachments/519fb740a129b0.53659657.pdf>
  36. OHCHR. (2013). Good governance and Human Rights, Available online at: <http://www.ohchr.org/en/Issues/Development/GoodGovernance/Pages/GoodGovernanceIndex.aspx>
  37. UNDP. (1997). Governance For Sustainable Human Development, Available online at: [www.undp.org/publications/governance/good\\_gov.pdf](http://www.undp.org/publications/governance/good_gov.pdf)
  38. UNESCAP. (2009). what is good governance? Available online at: <http://www.unescap.org/resources/what-good-governance>
  39. World Bank. (1989). Sub-Saharan Africa: From Crisis to Sustainable Growth, Available online at: [http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/\\_/WDSP/IB/1999/12/02/000178830\\_98101901364149/Rendered/PDF/multi0page.pdf](http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/_/WDSP/IB/1999/12/02/000178830_98101901364149/Rendered/PDF/multi0page.pdf)